

تذکره و تاریخ ادبیات نوین فارسی

دکتر محمد کاظم کهنرویی

دانشگاه تهران و ادبیات فارسی دانشگاه برود



نمی‌توان از آن به عنوان یک اثر مستقل تذکره‌ای نام برد. آنچه مشهور و معروف است این است که قدیمی‌ترین و جامع‌ترین و معتبرترین تذکره شاعران فارسی که در سده هفتم ه.ق نوشته شده، تذکره «لباب الالباب» است. محمد عوفی، تذکره «لباب الالباب» را در نیمه دوم سده ششم و آغاز سده هفتم نوشته که ترجمه احوال شاعران پس از اسلام تا زمان مؤلف را در بردارد.

پس از آن نیز می‌توان به مهم‌ترین تذکره‌ها، به این صورت اشاره کرد:

- مونس الاحرار، از محمد بدر جاجرمی، ۷۴۱ ه.
- تذکره الشعراء، از دولت‌شاه سمرقندی، پایان سده نهم.
- مجالس النقایس، از امیر عیشیر نوایی ۸۹۶ ه.
- تحفه سامی، از سام میرزا فرزند شاه اسماعیل صفوی، ۹۵۷ ه.
- هفت اقلیم، از امین احمد رازی، ۱۰۰۲ ه.
- خلاصه الاشعار و زبده الافکار، از تقی‌الدین محمدکاشی، سده ۱۱ ه.
- عرفات العاشقین، از تقی‌الدین اوحدی، ۱۰۲۲ ه.

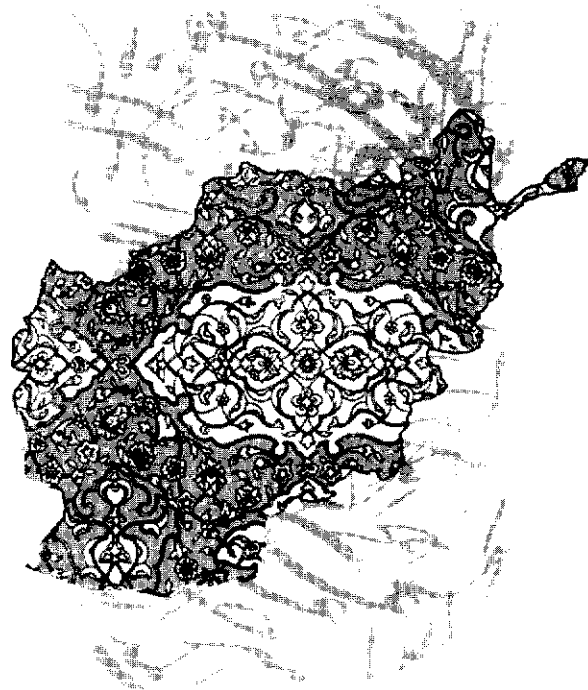
تذکره‌نویسی فارسی، چه در ایران و چه خارج از آن، از چندین قرن پیش رایج شده و همین همت و کوشش تذکره‌نگاران بود که باعث ماندگاری یاد و نام بسیاری از صاحبان سخن و اثر، اعم از منثور و منظوم شد، اگرچه به حقیقت بر ما مشخص و آشکار نیست که تذکره‌نویسی از چه زمانی در ایران یا افغانستان شروع شد و نخستین تذکره کدام بود، اما با تأملی در آثار گذشتگان، می‌توان به نمونه‌هایی از این نوع کار دست یافت که شاید بتوان از آن به عنوان خرده تذکره یاد کرد و آن مقالات دوم کتاب «چهار مقاله» یا «مجمع النوادر» از نظامی عروضی سمرقندی است که به سال ۵۵۰ ه.ق تألیف شده و ذیل عنوان «در ماهیت شعر و شاعری» به صورت حکایت، ذکری از بعضی شاعران به میان آورده و نمونه‌هایی نیز از آثار آنان را درج کرده است. در کتاب «راحه الصدور و آیه السرور» اثر نجم‌الدین محمد، معروف به «راوندی» - تألیف شده در سده ششم هجری - وی نمونه‌هایی از احوال شاعران و اشعار آنان به دست داده است و اگرچه خود قصد داشته تذکره شعرا بنگارد، اما آن را با تاریخ به هم آمیخته و از این رو

- تذکره نصرآبادی، از میرزا محمدطاهر نصرآبادی، ۱۰۸۳ هـ.
- ریاض الشعراء، از علیقلی خان والد داغستانی، ۱۱۶۱ هـ.
- خزانة عامره، از میرغلامعلی آزاد بلگرامی، سده ۱۲ هـ. (۱۱۱۶ - ۱۲۰۰).
- آتشکده آذر، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، سده ۱۲ هـ.
- سفینه خوشگو، بندربین داس، متخلص به خوشگو، سده ۱۳ هـ.

و آثار فراوان دیگر که در دوره معاصر در ایران و هند نوشته شده و هر کدام ویژگی‌های خاصی دارد. اما با وجودی که سرزمین افغانستان، مهد زبان و ادبیات فارسی (دری) بوده و هست، متأسفانه تعداد تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌هایی که در این کشور نوشته و یا به چاپ رسیده، انگشت شمار است و یا در مقایسه با آنچه که در هند و ایران تدوین شده، چندان قابل توجه نیست و در همین مدت، به ویژه پس از جامی تا پایان سده سیزده هجری، بیشترین تذکره‌ها را می‌توان در سرزمین هند دید که به فارسی نگاشته شده و یا به صورت عمومی است، یا محلی و منطقه‌ای و یا تخصصی و مربوطه به گروه و فرقه‌ای خاص.

در باب این که نسبت به نگارش تاریخ ادبیات و تذکره‌نویسی در افغانستان تقریباً کوتاهی شده و آن طور که دیگران به آن پرداخته‌اند، توجه نشده است، به طور اتفاقی مطلبی کوتاه و ظریف در مقدمه کتاب «جلوه‌هایی از شعر جلوه» به چشم نگارنده‌ی سطور آمد که تا اندازه‌ای جواب خود را یافت. در این مقدمه که توسط آقای «واصف باختری»، از شاعران معاصر افغانستان و با عنوان «سپاسنامه‌ای از سوی ناسپاسان» نوشته شده، چنین آمده است: «گناه او (نزیهی) این بود که می‌گفت شاید تاریخ یک کشور را ابتر رها کرد و نباید به مسخ و مثله کردن آن کوشید. استاد نزیهی پیشنهاد می‌کرد که برای تداوم یافتن پژوهش در سرگذشت تفکر و اندیشه در سرزمین مان باید تاریخ ادبیات ترکی جغتایی هم نبشته شود و نمایندگان فرهنگ و اقلیت‌های دیگر افغانستان هم حق دارند که زمینه گسترش چنین کاری را خواستار شوند. این پلی استوار برای رسیدن به وحدت در معنای راستین و عمیق و انسانی این کلمه، نه این که حتی از نوشتن تاریخ ادبیات زبان فارسی دری پس از جامی جلوگیری شود». (جلوه‌هایی از شعر جلوه، بخشی از غزل‌های استاد محمد کریم نزیهی، با مقدمه و اصف باختری، مرکز انتشاراتی میوند، چاپ اول پشاور، ۱۳۷۸ خورشیدی).

همین عبارت یاد شده نشان می‌دهد که گویا منع و مانعی در کار بوده تا از نگاشتن آنچه که بر سندیت زبان و ادبیات فارسی و بزرگان آن در طول قرون اعصار دلالت داشته و کثرت و حرمت و عظمت آنان را می‌رساند،



جلوگیری شود و شاید هم همین شیوه طرز تفکر او بود که پس از سال ۱۳۱۹ خورشیدی او را ممنوع‌القولم کردند و تا سال ۱۳۴۰ خورشیدی کمتر نامی از نزیهی برده می‌شد و خانه‌نشین شده بود.

در هر حال نبود تذکره و تاریخ ادبیات فارسی پس از تفحات الانس جامی (قرن نهم) تا سده حاضر که اهل ادب و قلم به نگاشتن آن دست زده‌اند، خالی از علت و سبب نیست و چه بسا که بسیاری از ادیبان و سخنوران با به عرصه وجود گذاشتند و دیگر بار رخ خود را برچیدند و آثار آنان هم از بین رفت و نامشان در هیچ تذکره و تاریخی دیده نشد.

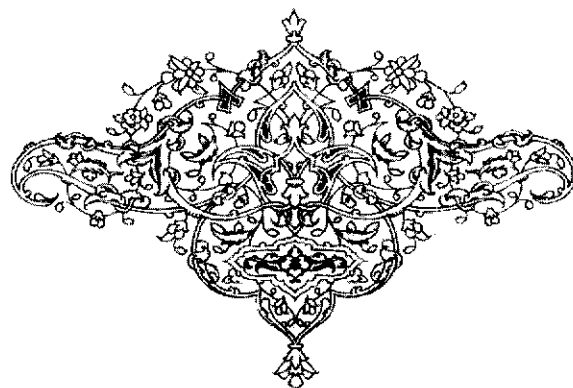
در اینجا به معرفی تعدادی از تذکره‌های موجود پرداخته می‌شود که در دوره معاصر نوشته شده و در دسترس هم قرار دارند:

مشاهیر افغانستان: (۳جلد. مؤلف: سید محی‌الدین هاشمی؛ مترجم: محمد رفیع) این کتاب به سال ۱۳۷۹ خورشیدی توسط اداره کتابخانه‌های سیار اریک در پشاور و در قطع وزیری کوچک به چاپ رسیده است.

مجلدات دوم و سوم موجود است که اولی در ۱۰۴ صفحه و دومی در ۹۱ صفحه چاپ شده است. مجلد دوم از سه بخش تشکیل شده است: **بخش اول:** پیرامون شخصیت عارفانی نظیر سنایی غزنوی، و غیره به تحقیق و تفحص پرداخته است. **بخش دوم:** ادیبان، عالمان و نقاشان، شامل: رابعه بلخی، ناصر خسرو بلخی، محمد هوتک، پیرمحمد کاکر، مخفی بدخشی، استاد عبدالحق بیتاب و استاد عبدالغفور بریشنا. **بخش سوم:** رهبران، قهرمانان ملی و غازیان، شامل: ابومسلم خراسانی، شهاب‌الدین غوری، شاه محمد هوتک، غازی محمداکبر خان، ملالی و غازی اوی.

مجلد سوم نیز به این گونه ترتیب یافته است:

بخش اول: عارفان، شامل عبدالرحمان بابا و شیخ سعدالدین انصاری. **بخش دوم:** دانشمندان، ادیبان و مورخین خان شامل: فرخی سیستانی، منہاج‌الاسراج جوزجانی، آمنه فدوی، قاری عبدالله، بهایی جان، استاد محمد



آفاق را گردیده‌ام، مهربان ورزیده‌ام
 بسیار خوبان دیده‌ام، اما تو چیز دیگری
 خسرو غریب است و گدا افتاده در شهر شما
 باشد که از بهر خدا سوی غریبان بنگری»

تاریخ ادبیات افغانستان از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام و زمان حال. اثر احمدعلی کهزاد و دیگران (محمدکریم خان نزیهی، علی احمدخان نعیمی، محمدابراهیم خان صفا و میرغلام محمدخان غبار) است که بنا به نوشته مؤلف، در صفحه «الف»، ذیل عنوان «عرض مرام» آورده است که کتاب حاضر جهت استفاده متعلمین صنوف ۱۲ لیسه‌ها (ملاّرس عالی) و افاده حضرات معلمان، تألیف شده است. کتاب در قطع وزیری و با کاغذ کاهی است که به نظر می‌رسد چاپ مطبوعه دولتی باشد. این کتاب در بردارنده پنج دوره است.

دوره اول از قدیمی‌ترین زمانه‌ها تا ظهور دین مقدس اسلام، در ۹ گفتار است که در گفتار نهم از ص ۱ تا ص ۶۰ زبان دری، کلیات، مهد و پرورشگاه زبان دری و انتشار آن از افغانستان به ایران کنونی را ذکر کرده است.

دوره دوم: از ظهور دین مقدس اسلام تا تهاجم مغول، از ص ۶۱ تا ۱۴۸. دوره سوم: از حمله چنگیز تا سقوط سلسله تیموریان افغانستان (در سه فصل) تا زمان تیموریان و خواندمیر نوشته است از ص ۱۴۹ تا ۲۴۲.

دوره چهارم: از سقوط بدیع‌الزمان میرزا تا ظهور محمد زابی‌ها (در سه فصل) از ص ۲۴۳ تا ۳۲۶.

ابراهیم خلیل و صوفی غلام نبی عشق‌ری. بخش سوم: رهبران ملی و غازیان. شامل: امیر کرو، حسن میوندی، سلطانه رضیه، بی‌بی زینب، غازی محمد ایوب خان و غلام حیدر خان چرخ. مؤلف کتاب، سیدمحمی‌الدین هاشمی فرزند سیدهاشمی در خرداد سال ۱۳۳۶ ه. ش در قریه بدیالی ولسوالی (فرمانداری) کوزکتر، ولایت ننگرهار متولد شده، لیسانس خود را از بخش زبان ادبیات پشتو دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل و فوق لیسانس (ماستری) را نیز از بخش ادبیات شعبه پشتو در دانشگاه پیشاور به سال ۱۹۹۰ میلادی دریافت داشته است.

آثار او به زبان پشتوست که تعدادی از آنها به چاپ رسید و تعدادی نیز چاپ نشده است. نکته قابل توجه آن که مؤلف گاه دچار خطاهایی شده که برای خوانندگان، بسیار ایجاد اشکال خواهد کرد. از جمله در پایان شرح احوال ناصر خسرو، غزلی نقل کرده و آن را نمونه کلام ناصر خسرو دانسته که آن اثر متعلق به امیر خسرو دهلوی است و در دیوان وی به چاپ رسیده و اصلاً قصیده نیست که مربوط به ناصر خسرو باشد. امیر خسرو این غزل را در اقصای غزلی از سعدی شیرازی سروده است. ابیات غزل ۷ بیتی که نقل کرده این است:

«ای چهره زیبای تو رشک بتان آذری
 هر چند وصفت می‌کنم لیکن از آن بالاتری
 تو از پری زیباتری، وز برگ گل نازک تری
 وز هر چه گویم بهتری حقا عجایب دلبری



دوره پنجم: دوره محمد زایی‌ها از ص ۳۲۷ تا ۴۰۸.

در این دوره، پس از مقدمه، شعرا، شاعره‌ها، نثر نویس‌ها، مطبوعات، خوشنویسان، رسام‌ها، نثر پشتو، مؤلف و نویسنده و تجدد ادبی، به صورت جداگانه آورده شده است، البته بخش‌های خوشنویسان، رسام‌ها، نثر پشتو، مؤلف و نویسنده و تجدد ادبی بسیار خلاصه (در ۶ صفحه) آورده شده است.

پرده‌نشینان سخنگوی (تذکره زنان شاعر)

این کتاب به وسیله خانم «ماگه رحمانی» نوشته شده و چاپ سوم آن در بهار ۱۳۸۰ خورشیدی در مؤسسه انتشارات الزهرا در پیشاور پاکستان به چاپ رسیده است. کتاب در مجموع ۱۶۸ صفحه دارد و قطع آن وزیری کوچک است که در بردارنده یک دیباچه، پنج فصل و فهرست مدارک و مأخذ است.

فصل اول: نظری دارد به ادبیات فارسی از ابتدای اسلام تا آخر قرن ششم و از شاعرانی چون رابعه بلخی، مهستی گنجوی، سیده بیگم علوی و مطربه کاشغری نام برده است. **فصل دوم:** اختصاص دارد به قرن‌های هفتم و هشتم و نهم که در آن از ۲۲ زن شاعر سخن گفته شده است. **فصل سوم:** (قرن‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)

در بردارنده احوال ۳۲ نفر از زنان شاعر است. **فصل چهارم:** اختصاص به قرن سیزدهم دارد که شرح احوال ۴۰ نفر از زنان شاعر را به طور خلاصه آورده است. **فصل پنجم:** اختصاص دارد به شاعران مجهول‌الزمان، مرکب از اسامی و شرح حال معمولی از ۳۸ نفر از زنانی که زمان دقیق حیات آنها مشخص نیست و به عنوان نمونه، ذیل نام «کنیز فاطمی» چنین آورده است: احوال این شاعر معلوم نیست، این قدر معلوم است که والده شاه سلیمان کابلی بوده. شعر ذیل را به او نسبت می‌دهند:

«سزد که فخر برد آسمان به دورانم

کنیز فاطمه و مادر سلیمانم (ص ۱۶۱)

البته احتمال می‌رود که کنیز فاطمه را شاعر به عنوان صفت و لقب برای خود برگزیده و نام وی نباشد و مؤلف بدون استناد به منبع و مأخذی آن را بیان داشته است. نویسنده کتاب زنی افغانی است که در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در خانواده‌ای اهل دانش و آگاهی به نام احمد جان رحمانی در شهر کابل به دنیا آمده است. مؤلف اگر چه در فهرست مدارک و مأخذ، نام ۷۹ کتاب و مجله را ذکر کرده، اما در بسیاری موارد، ذیل آگاهی‌ها و شرح حال‌هایی



که ارایه داده، مأخذ آن را ننوشته و نمی‌توان فهمید آن را از کدام مأخذ نقل کرده است. مأخذ هم فقط نام برده شده و سایر نشانی‌ها راه اعم از چاپ و تاریخ و... ندارد.

تاریخ ادبیات افغانستان

تألیف محمد حیدر ژوبل در ۳۰۳ صفحه برای بار سوم به قطع وزیری کوچک در هزار نسخه، از سوی بنگاه انتشاراتی میوند در پیشاور به چاپ رسیده است. چاپ اول آن به سال ۱۳۳۶ خورشیدی و چاپ دوم آن سال ۱۳۷۹ خورشیدی بود و طبع سوم، روی کاغذ کاهی سفید چاپ شده است. این کتاب پس از پیشگفتار، در بردارنده هشت فصل است که ادبیات افغانستان از قدیمی‌ترین دوره‌ها تا ظهور اسلام، جنبش‌های ادبی و عصر حماسی تا زمان مؤلف را در برمی‌گیرد. مؤلف، تاریخ ادبیات خود را به سال ۱۳۳۶ خورشیدی نگاشته و در آن کوشیده است تا از شاعران و نویسندگانی که در محدوده افغانستان، از قدیمی‌ترین ایام، به دنیا آمده و رشد کرده و از دنیا رفته‌اند و یا در این سرزمین به دنیا آمده‌اند یا به خاک سپرده شده و

سیمایا و آواها

اثر نعمت حسینی، به سال ۱۳۶۷ خورشیدی در ۲ هزار جلد در قطع وزیری کوچک (در مطبعه دولتی انتشارات وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان) به چاپ رسید. مؤلف اثر خود را به پدر خویش، شادروان سیدحمایت الله (ابهت) حسینی اهدا کرده است.

در این کتاب ۷۷۶ صفحه‌ای که جلد اول آن فقط به چاپ رسیده، مؤلف در مجموع، نام ۱۱۹ شاعر و نویسنده را معرفی کرده که پس از مقدمه، با نام آئینه (یوسف) شروع می‌شود و آخرین شاعر یوسفی، هارون است. مقدمه سه صفحه‌ای کتاب در اول آذر ۱۳۶۷ خورشیدی، توسط آقای واصف باختری، از شاعران معاصر افغانستان نوشته شده است. در ذکر نام شاعران و نویسندگان ابتدا زندگینامه آن شاعر، همراه با تصویری از وی آورده و پس از آن یک یا چند غزل از او نقل شده است. بعضی از زندگینامه‌ها هم بدون تصویر شاعر است.

یادی از رفتگان

مشمتمل بر بیوگرافی عده‌ای از شعرای کشور افغانستان، تألیف محمد خسته، خرداد ۱۳۴۴ خورشیدی، در قطع وزیری در ۱۷۶ صفحه توسط مطبعه دولتی به چاپ رسیده است.

سرآغاز کتاب در یک صفحه به قلم آقای مایل هروی و مقدمه یک صفحه‌ای نیز به قلم خود خسته است که به تاریخ دی‌ماه ۱۳۴۰ خورشیدی نوشته شده است. این کتاب مجموعاً ۵۱ شاعر و نویسنده از سوی مولانا خسته، معرفی شده که پس از معرفی ایشان، اشعاری نیز اعم از قصیده و یا غزل یا... نقل شده که اول آنان «ابن عطا» و آخرشان «والی» است که تا صفحه ۱۵۵ را به خود اختصاص داده است. پس از آن، مایل هروی با تعلیقاتی، ۹ شاعر را به آن افزوده است که عبارتند از: بی خود، تسلیم هروی، ملا محمد حسین سلجوقی، سیدای کروخی، احمد قندهاری، دارا فوشنجی، عاشق، صامی و شرر قندهاری.

روی جلد و صفحه عنوان، این بیت بیدل نیز چاپ شده است:

نرفته‌اند از این بزم تا سخن باقی است
مگر گذشته رفیقان ز دل فراموشند

یا اجداد آنان در این سرزمین بوده‌اند و یا بعضی از این سرزمین عبور کرده‌اند، ذیل نام شاعرانی افغانی ذکر می‌کند و اهل قلم نیز او را در نگارش تاریخ ادبیات موفق می‌دانند و از او به نیکی یاد می‌کنند. گفتنی است که مرحوم محمدحیدر ژوبل، به سال ۱۳۰۴ خورشیدی در باغبان کوجه کابل چشم به جهان گشود، دوره لیسانس خود را در دانشگاه کابل به پایان برد و تخصص خود را از دانشگاه پرنتون آمریکا گرفت و مسوولیت‌هایی نیز داشت، اما سرانجام در پاییز سال ۱۳۳۸ خورشیدی پس از شرکت در کنفرانسی در مصر، هنگام بازگشت به وطن بر اثر سقوط هواپیما بر فراز شهر بیروت، در ۳۴ سالگی جوانمرد شد و آثاری چون: کتاب مذکور، نگاهی به ادبیات معاصر افغانستان، زبان فارسی، روش تدریس نوین و مؤثر آن، نردبان آسمان، ادبیات در خلال روان‌شناسی، یاد بیدل و... از او به یادگار ماند.

آن گونه که مایل هروی آورده، کتاب یاد شده، جایزه مطبوعات را به خود اختصاص داده است. وی همچنین این کتاب را مکمل کتاب معاصران سخنور، اثر مولانا خسته و یا آن را مکمل این کتاب می‌داند. مؤلف نیز در خصوص کتاب گوید: «ورقی چند که قلمی شد، گردآورده خسته و عبارت است از سوانح تنی چند از شعرای دری گوی افغانستان عزیز که اکثرشان در عصر حاضر از اعیان روزگار و کرسی نشین دربار سلاطین بوده و یا روحانیونی که مرجع ارادتمندان و اخلاص کیشان قرار داشته یا مرجع نشین مسند تدریس‌اند که طالبان علوم و فنون از حضرتشان مستفید شده و آثاری هم در ادبیات از انواع شعر به یادگار گذاشته‌اند، اما به مرور ایام، شهرتشان منحصر به منطقه زندگی و آثارشان محصور به خاندان خودشان شده است.»

ارمغان چاه آب

تألیف دکتر جمрад جمشید، به کوشش زرشید شعله، توسط انتشارات میوند کابل به سال ۱۳۸۲ خورشیدی با شمارگان هزار جلد در ۲۸۲ صفحه با قطع وزیری کوچک و کاغذ کاهی سفید در پیشاور پاکستان چاپ شده است. از جمله تذکرها های افغانستان که ذکر شد، بعضی تذکرها های محلی است که اهل ادب آن سرزمین کوشیده‌اند تا با آگاهی از منطقه خود، دست به تألیف اثر بزنند که مجموعه‌ای کامل از اوضاع آنجا باشد. یکی از این نمونه‌ها کتاب «ارمغان چاه آب» است که مؤلف، آن را در شش بخش تألیف کرده و پس از بیان اوضاع جغرافیایی و حدود و ثغور «چاه آب» در ولایت بدخشان، به اوضاع فرهنگی آنجا پرداخته و در بخش دوم ابتدا بزرگان موسیقی و سپس شاعران آنجا را (الف: قبل از دو صد سال ب: از دو صد سال به این سو) نام برده و علاوه بر شرح احوال هریک از آنان، نمونه‌هایی از اشعارشان را هم ذکر کرده و احوال و آثار مؤلف (جمشید خان چاه آبی) نیز در صفحات ۱۲۵ - ۱۲۰ کتاب آمده است.

بخش سوم کتاب اختصاص به پهلوانان دارد. در بخش چهارم اوضاع سیاسی چاه آب را ذکر کرده و در بخش پنجم هم برخی شخصیت‌های برجسته ملی و موسیقیدان و مأموران ملکی و نظامی را که از آن سرزمین برخاسته‌اند نام برده و احوال آنان را نگاشته است.

بخش ششم کتاب نیز اختصاص به زنان چاه آب دارد که از آنان به عنوان نماد حیا، عشق و دوام زندگی نام برده و با این بیت آغاز کرده که:

«اگر زن نمی بود عالم نمی بود

نشانی از اولاد آدم نمی بود»

و در مجموع چهارده نفر از زنان آنجا را نام برده که معمولاً شاعر یا مکتبدار بوده‌اند و بیشتر هم نسبتی با مؤلف داشته‌اند. در احوال خانم «آخند عالم جان» چنین آمده است: «خانم مرحوم ملاخیرالدین، در گذر ایزنه زندگی داشته و مکتبدار و معلم خانگی اطفال معصوم وطن بود. پسرش عین‌الدین از طرف خلقی‌ها به شهادت رسید و خودش در راه مسافرت به کابل توسط طیارات شوروی بمبارد شده و با شوهرش یک جا و با بیشتر از سی نفر دیگر به شهادت رسیدند» (ص ۲۸۰).

در مجموع کتاب یاد شده، در خصوص منطقه چاه آب و معرفت کلی به آن سرزمین، ارزشمند است.



تاریخ ادبیات دری افغانستان

از محمد حسن طیبی

این کتاب به سال ۱۳۴۹ خورشیدی در بهمن ماه در ۱۲۶ صفحه به چاپ رسیده و در جلد اول آن از شاعران و نویسندگان دوره سامانیان و غزنویان یاد شده است. در ۲۰ صفحه آغازین کتاب، پس از حمد و نعت، درباره فن ادبیات، اقسام ادب، اقسام نظم دری، زبان دری (فارسی) و... سخن رفته و پس از آن با نام «ابوشکور بلخی»، شرح حال شاعران و نویسندگان شروع شده است. لازم به ذکر است ه فقط جلد اول این مجموعه موجود است و دیگر مجلدات آن به دست نیامد.

سیر ادب در افغانستان

از محمد عثمان صدقی. این کتاب در فروردین ماه سال ۱۳۶۰ با قطع وزیری کوچک و جلد مقوایی کاهی و کاغذ کاهی در ۴۴ صفحه توسط انتشارات انیس به چاپ رسید که شرحی است مختصر بر زندگانی شاعران و نویسندگان معاصر افغانستان. این کتاب بسیار خلاصه است و ضمن معرفی بعضی نشریات و انجمن‌ها، به ذکر سبک‌های ادبی پرداخته و ذیل هر سبک، بعضی افراد آن را نام برده و علاوه بر شعرا، شخصیت‌های تاریخی و... را نیز معرفی کرده است. در بسیاری موارد هم به یکی دو سطر خلاصه می‌شود و عملاً اطلاعات قابل ارزشی آرایه نمی‌دهد.

آثار هرات

از استاد خلیل الله خلیلی. این کتاب در ۳ جلد چاپ شده که تاریخ چاپ جلد‌های اول و دوم آن سال ۱۳۰۹ خورشیدی و جلد سوم آن آذر سال ۱۳۱۰ ش است.

شعرای معاصر هرات

از محمد علم غواص که به سال ۱۳۳۰ خورشیدی و ۹۶ صفحه توسط کلوب ادبی هرات در چاپخانه اتفاق اسلام به چاپ رسیده و حدود ۵۴ نفر از شاعران را نام برده و به طور خلاصه درباره آنان نوشته است. وجه اشتراک این کتاب یا کتاب «آثار هرات» ذکر شرح حال ۹ نفر از شاعران است.

ارمغان بدخشان

از شاه عبدالله بدخشی، پسر محمدسعید خان (تولد ۱۲۹۱ ش در بدخشان) حدود سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴ خورشیدی نگاشته شده و بین سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ خورشیدی، توسط نشریه کابل، به چاپ رسیده، ولی در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، به کوشش آقای فرید بیژند به شکل کتاب در ۲۷۵ صفحه به چاپ رسید و مقدمه‌ای نیز بر آن نوشته شد. از صفحه ۲۴۱ به بعد تکمله‌ای است که آقای فرید بیژند اضافه کرده و شرح حال سی و پنج نفر از شاعران آن دیار را آورده که از جمله آنها جمشید شعله مؤلف کتاب «ارمغان چاه آب» است لازم به توضیح است که چاه آب یکی از بخش‌های بدخشان است.

پرطاووس

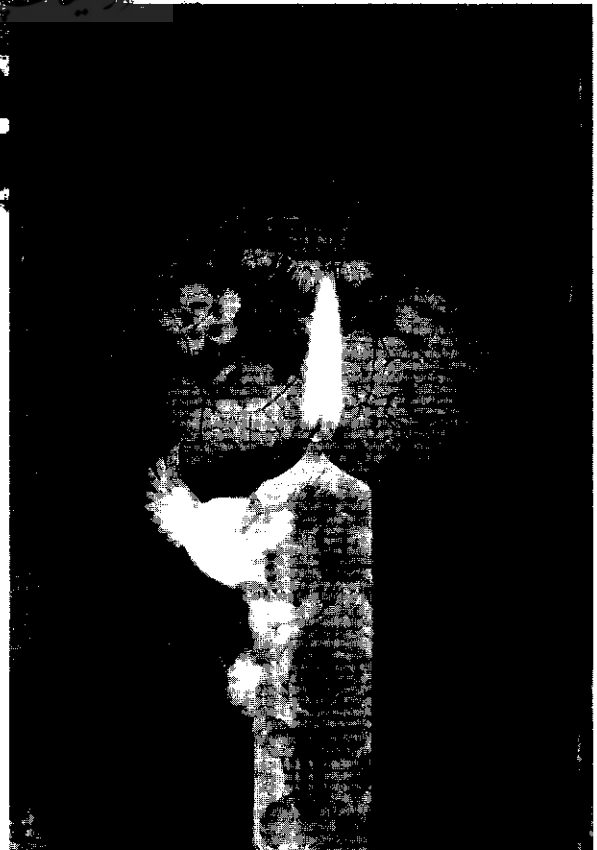
از مولوی محمد حنیف ملقب به حنیف بلخی. این کتاب را می‌توان از تذکره‌های جامع افغانستان دانست که در ۸۳۵ صفحه به سال ۱۳۶۴ خورشیدی به چاپ رسیده و زندگینامه ۳۶۱ نفر از شاعران پارسی گوی قدیم و جدید را در خود دارد. ترتیب کتاب، الفبایی است و با نام «آینه» محمد یوسف، شروع شده و با شاه عبدالله بدخشی یمگی پایان یافته است.

نظامیان سخنور

از سید اکرام‌الدین امیری و در بردارنده شرح احوال و آثار ۴۷ نفر از شاعران و نویسندگان و محققان در بین نظامیان افغانستان است که به سال ۱۳۶۷ خورشیدی، از سوی بخش انتشارات وزارت دفاع افغانستان در ۴۱۲ صفحه به چاپ رسید.

سخنوران دروازی

از احمد نجیب بیضایی. این تذکره نیز از جمله تذکره‌های محلی است که مؤلف در اثر خود تعداد ۴۶ نفر از شاعران «درواز» بدخشان را معرفی کرده و به سال ۱۳۶۹ خورشیدی به چاپ رسانده است و همانند کتاب «ارمغان چاه آب» ابتدا به اوضاع و احوال جغرافیایی منطقه پرداخته و



سپس سخنوران آنجا را معرفی کرده است.

جغرافیای تاریخ افغانستان

تألیف میر غلام محمد غبار، با حواشی و تعلیقات فرید بیژند، چاپ چهارم، تیر ۱۳۸۳، انتشارات میوند، چاپ پیشاور پاکستان با شمارگان هزار نسخه.

این کتاب اگر چه مجموعه مقالات جغرافیایی است که استاد غبار در سال ۱۳۱۰ خورشیدی نگاشته و در مجله کابل منتشر کرده، اما نمی‌توان از آن به عنوان یک تذکره نام برد. غبار در پایان هر مقاله که مربوط به یک ولایت یا محدوده بزرگ جغرافیایی افغانستان است، کوشیده تا ذکری از فرهیختگان آن محدوده به میان آورد و یا به صورت جمعی یا جداگانه از علما و حکما، روحانیون و صوفیان، مورخان، صنعت‌کاران، شعرا و اسامی مشاهیر آنجا یاد کند. از آنجا که خود مؤلف نیز گفته است که «متأسفانه شرح و ترجمه حال آنها [علما، حکما، فیلسوف‌ها، صوفی‌ها، شعرا و صنعت‌کاران] از عهده مقالات ما خارج و محتاج مجلدی مستقل است» (ص ۵۰) ولی اسامی آنان که ذکر شده، می‌تواند راهگشای خواننده باشد تا بتواند فهرست‌وار به جایگاه و مکان حیات آنان تا جایی که منسوب به آن هستند، پی ببرد. وی عبدالرحمان جامی و کمال‌الدین حسین واعظ را ذیل عنوان حکما و علمای هرات ذکر کرده است. همچنین معمای، تفتازانی، حسین بن مبارک، شمس اسفزاری و ... را.

اصل کتاب مرکب از ۱۲ مقاله است که در خصوص خراسان، کابل، تخارستان، باکران (مزار، میمنه، مرغاب، مرو)، ولایت گندهار، سغدستان (سیستان و فراه)، زابل یا اراکوسیا، گدرسیا (بلوچستان) و ولایت پاکستان یا پاختیا، ولایت بلور یا بلورستان (نورستان حالبه) و غور یا غرجمستان (هزاره جات عالیه و غور) در ۱۵۹ صفحه نگاشته شده است. آقای فرید بیژند ۱۶۰ صفحه تعلیقات و توضیحات به آن افزوده است و آن طرز است که اسامی اشخاص یا شهرها یا دیگر مسابلی را که احداث کرده‌اند نیاز به توضیح دارد. شرح داده است، مثلاً نادرشاه افشار، رستم، گندهار تیمور، سکاها، یعقوب لیث، میرویس، گردیز، بامیان ...

گفتنی است که مؤلف (میر غلام محمد غبار) در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در کابل به دنیا آمده و علاوه بر مدیریت‌ها و تصدی‌های دولتی، آثارش در زمینه تاریخ افغانستان (۱۱ عنوان کتاب) نوشته و از سهبت نامی برخوردار است و علاوه بر آن سلسله مقالات تاریخی‌اش را در شماره‌های مختلف آریانا (از ۱۳۲۲ - ۱۳۲۸ خورشیدی) به چاپ رسانده است.

